

در مقابل سیاستهای راسیستی بورژوازی به دفاع از خواهران و برادران هم طبقاتی خود برخیزیم!



مامورین آتش نشانی در حال عملیات آواربرداری برای بیرون کشیدن جسد یک کارگر "افغان" از زیر آوار هستند [۱]

صدای انترناسیونالیستی

Homepage: www.internationalist.tk

E-mail: internationalist.voice@gmail.com

موج جدیدی از حملات و کمپین کثیف خارجی ستیزی علیه بخشی از طبقه کارگر برآه افتاده است. تمامی نهادهای سرمایه داری، از نهادهای قانون گذاری تا پلیس حافظ سرمایه، از وسایل ارتباط جمعی تا ایدئولوژیهای سرمایه در تقلایند، عوارض بحران سرمایه داری و به تبع آن نارضایتی ها را به سوی «خارجی ها» سوق دهند تا نگاهها را از ریشه اصلی تمامی معضلات و مشکلات جامعه یعنی سرمایه داری منحرف کنند. این مسئله مختص بورژوازی اسلامی نیست و آنرا بوضوح می توان در هر کجای این کره خاکی بویژه در اروپای غربی و آمریکای شمالی مشاهده کرد.

بیگانه ستیزی بخشی از روبنای جامعه طبقاتی است که با شکلگیری دولتهای ملی و ملیت که محصول رشد سرمایه داری است و افتخار ملی را بدنبال دارد، شکل پارادوکس بخود گرفته است. در دوران هائی که سرمایه نیاز به نیروی کار ارزان دارد سعی در تعدیل این مسئله می کند ولی در دوران هائی که در بحران دست و پا میزند، سعی می کند بخشی از دلایل بحران را گردن کارگران خارجی تبار بیندازد.

بخشی از طبقه کارگر ایران که خودشان یا والدینشان خارج از مرزهای ایران بدنیا آمده اند، توسط بورژوازی اسلامی «مهر» افغان" برایشان زده شده است تا خارجیان نامطلوب قلمداد شوند. بورژوازی اشتباهات، خطاها یا جنایات شخصی افراد را اجتماعی کرده و به بخشی از طبقه کارگر تعمیم می دهد، در افکار عمومی این انسانها معادل متجاوز، جنایتکار و غیره معرفی می شوند، عامل تمامی نابسامانی ها قلمداد شده و سپس مورد کثیف ترین حملات قرار میگیرند. این بخش از طبقه کارگر بخشی جدائی ناپذیر از طبقه کارگر ایران است، بخشی که در شرایط برده وار تن به کارهائی میدهد که کارگران بومی از انجام آن امتناع می ورزند. لذا دفاع از این بخش از طبقه کارگر دفاع از کل طبقه کارگر است.

بورژوازی جنایتکار اسلامی برنامه سازمان یافته ای را برای اخراج این بخش از طبقه کارگر یا حداقل بخشی از آن تدارک دیده است. بورژوازی اسلامی ابتدا افکار عمومی را برای چنین کار ننگینی آماده می کند، به حیل بورژوازی غرب متوسل می شود و عامل بیکاری را نه نظام بربر سرمایه داری بلکه وجود نیروی کار خارجی مطرح می کند و برای آن نیز راه حل بربر منشانه خود را ارائه میدهد. در چنین زمینه ائی بود که «رحیمی» معاون اول رئیس جمهور سابق اظهار داشت: "قدرت های بزرگ سه میلیون میهمان افغانی را بر ما تحمیل کرده اند، اگر این تعداد افغانی نباشند آمار بیکاری کشور به صفر می رسد." [۲]

در کجای این جهان وارونه سرمایه داری، نرخ بیکاری صفر است که گانگسترهای اسلامی میخواهند با اخراج بخشی از طبقه کارگر در اقتصاد ورشکسته سرمایه داری پیرامونی آنرا به صفر برسانند. البته چنین مشمنزاتی فقط مصرف داخلی دارند و برای انحراف افکار عمومی است. در چنین شرایطی است که «محمدحسن صالحی مرام» مدیرکل اشتغال اتباع خارجی وزارت کار و امور اجتماعی، در مراسم همایش روسای ادارات و کارشناسان بازرسی کار، خالقان نعمات بشری را، کسانی که رفاه جامعه را تامین می کنند به خطر انداختن اقتصاد ملی متهم کرد و این چنین نشخوار کرد:

" يك ميليون و ۳۰۰ هزار فرصت شغلی در اختیار اتباع خارجی قرار دارد که فقط هزار نفر از آنها پروانه کار دارند که این امر به معنای به خطر افتادن اقتصاد ملی است." [۳]

اقتصاد ملی (اقتصاد سرمایه داری پیرامونی) نه توسط کارگران بلکه توسط سرمایه داری انحطاط یافته در ورشکستگی کامل بسر می برد و جنایتکاران فرمیست نیز قادر به بازسازی آن نخواهد بود. البته منظور از «اتباع خارجی» مستشاران روسی، چینی، غربی و غیره که در راستای اهداف بورژوازی اسلامی و در تکمیل پروژه های آن دخیل هستند را شامل نمی شود بلکه منظور آن بخشی از طبقه کارگر است که ریشه "افغان" دارند. اسماعیل ریگی مدیرکل اداره کار و امور اجتماعی استان سیستان و بلوچستان قبلا به کار گرفتن این بخش از کارگران را جنایی کرده بود و تهدید کرده بود:

"جریمه مرحله نخست به از هر روز اشتغال اتباع بیگانه پنج برابر حداقل دستمزد روزانه و معادل ۳۰۰ هزار ریال است و در صورت تکرار تخلف ضمن دو برابر شدن جریمه، کارفرمایان متخلف به مراجع قضایی نیز معرفی می شوند." [۴]

بورژوازی اسلامی برای تکمیل سناریوی کثیف خود سعی به تنظیم و هدایت افکار عمومی در راستای تلاش برای پیدا کردن "مجرمانی" است تا معضلات جامعه را به گردن آنها بیندازد. در چنین شرایطی است که درگیر کردن مستقیم شهروندان جامعه برای ایفای نقش پلیس و خارجی ستیز را پیش می کشد. توصیه می کند شهروندان "مشخصات هویتی اتباع بیگانه را رویت کنند". به زبان ساده تحریک اراذل و اوباش برای ایفای نقش پلیس سرمایه. مدیر کل امور اتباع بیگانه استانداری فارس غلامرضا غلامی از مردم خواست تا در صورت مشاهده به کارگیری افراد تبعه بیگانه در هر کارگاه یا پروژه ای، با تلفن ۱۱۰ تماس بگیرند و موضوع را گزارش کنند.

البته بورژوازی اسلامی همچون گانگسترهای دمکرات تلاش می کند کارهای سخت و طاقت فرسایی را که کارگران بومی از انجام آنها امتناع می ورزند به عهده این بخش از طبقه کارگر واگذار کند و فقط در کارهای سخت اجازه کار صادر می کند. تاکید می کند که تحت هیچ شرایطی اجازه کار در مشاغل بهتر را ندارند و مسئولان بورژوازی این چنین می گویند:

"هم اینک اداره کار برای اتباع بیگانه در مشاغل سخت کارت مجوز کار صادر می کند و هیچ يك از اتباع با مجوز اقامت یا کار اجازه فعالیت در مشاغل غیر از مشاغل سخت را ندارند." [۵]

برخلاف اراجیف بورژوازی و ایدئولوگهای آن کارگران "مهاجر" نه انگل جامعه، بلکه نقش بسزائی در ساختن جامعه ایفا می کنند. در جهان غرب بعد از آن که متمدن های بربر، پرولتاریا را به کشتار امپریالیستی جنگ جهانی دوم کشاندند، برای بازسازی مجدد آن نیاز به نیروی کار مهاجر بود. بدون نیروی کار مهاجر بازسازی خرابیهای حاصل از جنگ جهانی دوم امکان پذیر نبود. همین الان تمیزیها و زیباییهای خیره کننده تهران، لندن، پاریس و غیره در سایه کارگر "مهاجر" است، والا آشغال و کثافت از در و دیوارشان بالا می رفت. همین الان بدون کارگر "مهاجر" مراقبت از سالمندان اروپای غربی امکان پذیر نیست. بدون رنج کارگر "افغانی" ساختمانی در تهران بالا نمی رود. کارگر مهاجر رنج کشیده ترین و محرومترین بخشی از طبقه کارگر است.

مناسفانه بدلیل افت مبارزه طبقاتی، طبقه کارگر ایران همچون طبقه کارگر سایر نقاط جهان با توجه به شرایطی که بسر می برد، قادر نیست بعنوان یک طبقه پاسخ خود را به حملات وحشیانه بورژوازی بدهد. حتی قشر هائی از طبقه کارگر همچون کشورهای غربی به خاطر سمپاشی های زهر آگین بورژوازی، تحت تاثیر افکار خارجی ستیز نیز قرار می گیرند.

"طبقه ای که وسائل تولید مادی را در اختیار دارد، در نتیجه وسائل تولید ذهنی را نیز تحت کنترل خواهد داشت، بنحوی که افکار آنها که فاقد وسائل تولید ذهنی هستند در کل تابع آن است. ... لذا بعنوان متفکران، بعنوان تولید کنندگان افکار نیز حکومت می کنند و تولید و توزیع اندیشه های عصر خویش را تنظیم می نمایند: بدینسان افکار آنان افکار حاکم آن دوران نیز است." [۶]

بیشتر واکنش ها به حملات بورژوازی به این بخش از طبقه کارگر سمبولیک، فردی و یا در حد گروه های کوچک بوده است. برای نمونه جوانان اصفهان پلاکاردهائی به گردن خود آویزان کرده بودند که در آن «من نیز یک افغان هستم» مشاهده می شد. و یا در رسانه های اجتماعی همچون فیسبوک صفحه ای تحت عنوان "کمپین عذرخواهی از دوستان افغان" [۷] راه اندازی شد. اگر چه این اقدامات انسانی و قابل تقدیر هستند اما هویت طبقاتی پرولتری ندارند. این بخش از طبقه کارگر نه "افغان" بلکه بخشی جدائی ناپذیر از طبقه کارگر ایران هستند.

طبقه کارگر در سنگر دفاع از هویت طبقاتی خود، نمی تواند از لگد مال شدن روزانه هم طبقاتی خارجی تبار خود چشم پپوشد و کارگر مهاجر را علت بیکاری، بدبختی و کم حقوقی خود قلمداد کند. انترناسیونالیسم پایه ای ترین اصول طبقه کارگر است که در آن منافع کل طبقه کارگر حائز اهمیت است.

باید جلوی توحش بورژوازی اسلامی ایستاد. اعتراض به تحقیر، توهین، فرودستی و آزار و اذیت سیستماتیک خواهران و برادران هم طبقاتی مان، آن بخش از طبقه کارگر که ریشه "افغان" دارند، دفاع از افغانی ها نیست، دفاع از هویت طبقاتی، طبقه کارگر است. دفاع از پایه ای ترین اصول آن، انترناسیونالیسم پرولتری است. بورژوازی سعی در تکه تکه کردن ما با هدف درهم شکستن هویت طبقاتی مان دارد، تا بهتر و راحت تر ما را استثمار کند. اما در مقابل این و یا به هر زبانی که صحبت کنیم، ما یک ویژگی مشترک داریم و آن اینکه به طبقه کارگر تعلق داریم و ملت برای ما بیگانه است. بنابراین، با صدای بلند اعلام می کنیم، طبقه علیه طبقه. در مقابل حملات خارجی ستیزانه بورژوازی به دفاع از خواهران و برادران هم طبقاتی خود برخیزیم!

کارگران وطن ندارند! زنده باد اتحاد طبقاتی کارگران!

فیروز اکبری
اول بهمن ۱۳۹۲

یادداشتها:

<http://www.shasa.ir/newsdetail-111167-fa.html>[۱]

<http://www.entekhab.ir/fa/news/67887>[۲]

<http://www.hadj.ir/fa/default.php?part=zaer&subject=85&subject2=10&id=18>[۳]

<http://www.mcls.gov.ir/fa/news/19444>[۴]

<http://fars.isna.ir/Default.aspx?NSID=5&SSLID=46&NID=19897>[۵]

[۶] ایدئولوژی آلمانی - مارکس - صفحات ۶۰-۶۱

<https://www.facebook.com/afghanfriends>[۷]